

## گزارشی از بچه های گلستان

مینا نهرینی

پس از اینکه مدت زمان زیادی از قولم برای بازدید از مدرسه بچه های گلستان میگذرد بالاخره در یک صبح دلپذیر بهاری از روزویل عازم برکلی میشوم. پس از حدود دو ساعت رانندگی بدون ترافیک و مشاهده مناظر زیبای بهاری اطراف بزرگ راه به آسانی به محل موعود میرسم. ساختمان مدرسه که ساختمانی قدیمی و تاریخی است به نام هی وود هاوس در شماره 1808 در خیابان پنجم شهر برکلی قرار گرفته است. این ساختمان تمام خصوصیات یک بنای زیبای تاریخی را دارد. در های چوبی قدیمی ولی بسیار زیبا به همراه کفپوش چوبی که حکایت از رفت و آمد های زیادی بر روی آن دارد اما بسیار پاکیزه. به داخل ساختمان وارد میشوم و اولین چیزی که توجهم را جلب میکند موزیک ملایم و اصیل ایرانی است که از سیستم صوتی کوچکی پخش میشود. روی دیوار هم تابلویی است زیبا از منظره ای در ایران که بعدا گفته میشود این تابلو توسط مادر بزرگ مهربان یکی از بچه ها نقاشی شده است. بیرون در ورودی و داخل ساختمان هم با فرشهای زیبایی تزئین شده اند.



در این مدرسه و در اطاق های مختلفی که دارد و هر کدام بر اساس سن و سال بچه ها به تعدادی از آنها اختصاص داده شده است همه چیز منظم و مرتب و در آرامش کامل بنظر میآیند. چندین گلدان گل تازه هم در گوشه و کنار اطاق ها دیده میشوند که حکایت از علاقه به طبیعت و محیط اطراف آن دارند. قبل از اینکه سر قرارم با خانم یلدا مدیر اجرایی مدرسه و یکی از موسسین آن حاضر شوم چند عکس میگیرم و بعد به حیاط مدرسه میروم که بچه ها در آن در حال باغبانی هستند. چندین جعبه مخصوص کاشت سبزی جات و همچنین گلدان های مختلف که گل و درختان

زیادی در آنها کاشته شده اند به اضافه باغچه حیاط که درختان قابل توجه ای دارد جلب توجه میکند. بچه ها با علاقه به آب دادن و نگهداری از باغچه های خودشان مشغولند و مینا خانم مهربان به همراه دو نفر کمک معلم دیگر به نامهای فرح و گارینه از آنها مراقبت میکنند. به محل قرارم با یلدا به دفتر کار او که اطاقی است کوچک در آخرین طبقه این ساختمان میروم. مادری دلسوز و مهربان که نه تنها به دلیل علاقه شخصی اش به حفظ زبان و فرهنگ ایرانی به همراه تنی چند از مادران دیگر در پی تاسیس چنین جایی برآمد بلکه بدلیل اهمیت زیادی که به این موضوع میدهد پس از مدت زمان کوتاهی جایی را که نخست محلی بود برای بازی کودکانش با بچه های هم سن و سالشان، تبدیل به مدرسه ای کرد که در آن با افتخار به فرهنگ و زبان فارسی و تمامی آداب و رسوم زیبایش ارج گذاشته میشود. این محل در حال حاضر به صورت مدرسه ای در آمده که میتواند آینده ساز بسیاری از نونهالان ایرانی تبار باشد.

ناگفته نماند اماندا در آشپزخانه نقلی و بسیار تمیز مدرسه بسختی مشغول کار و تهیه و تدارک غذاست. بسیاری از روز ها غذای کودکان در همین آشپزخانه و با استفاده از سبزیجات و میوه های طبیعی که در باغچه حیاط مدرسه به عمل میآید تهیه میشود.

مسئله دیگری که بسیار جلب نظر میکند و بعدا یلدا هم به آن اشاره دارد استفاده از مواد طبیعی است بدون وجود هیچ نوع الیاف مصنوعی و یا پلاستیک در این مدرسه. اسباب بازی ها اغلب چوبی هستند. نقاشی های کودکان در قاب های چوبی و بطور زیبا و مرتبی به دیوار آویزانند که همگی نشان از مهربانی با طبیعت و محیط زیست دارند. موضوعی که در این زمان نمیشود به آسانی از کنارش گذشت و به آن بی توجهی و یا حتی کم توجهی کرد.

در مدرسه بچه های گلستان سه گروه سنی به یادگیری مشغولند:

گروه اول بین سنین 18 ماه تا 3 سال

گروه دوم سنین قبل از دبستان و 3 سال تا آمادگی

گروه سوم آمادگی تا کلاس اول



در حالی که آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در دستور اول کار مدرسه قرار دارد برنامه قبل از دبستان که خانم ها مژگان و شیرین عهده دار آن هستند بطور عمده تاکید بر خانواده ها و بچه هائی دارد که در آنها فقط یکی از والدین ایرانی هستند و در نتیجه بزرگ کردن بچه ها با زبان فارسی و در جایی که اغلب انگلیسی صحبت میشود بسیار مشکل است.

در حالی که اغلب مدارس که زبان فارسی را تدریس میکنند

معمولا آخر هفته ها و یا بعد از برنامه روزانه مدارس دایر

هستند، مدرسه گلستان برنامه ای بطور مرتب و روزانه دارد

و تمام منطقه بی ایریا را که جمعیتی بیش از یکصد هزار نفر ایرانی و ایرانی- آمریکایی دارد در بر میگیرد. بسیاری از این خانواده ها از جاهای مختلف بی ایریا به برکلی میروند و گاهی هر طرف تا یکساعت هم رانندگی میکنند که بچه هایشان بتوانند به مدرسه گلستان بروند. در حالی که اکثر بچه های گلستان حداقل یکی از والدینشان ایرانی هستند در میان آنها بچه هایی با زمینه های خانوادگی آمریکایی - کوبایی - چینی و حتی کودکی پاکستانی که به فرزندی والدین آمریکایی اش در آمده هم دیده میشوند و تعداد قابل توجهی از دانش آموزان به سه زبان صحبت میکنند. روش تدریس در مدرسه گلستان ترکیبی است از سه فلسفه آموزشی والدورف - مونتسوری و ریجیو امیلیا.

- آموزش والدورف که بر تقویت و شکوفایی قوای تخیلی و تجربیات حسی کودکان استوار است و ضمنا تاکید بر همکاری و مشارکت و کار جمعی دارد در فعالیت های روزانه گلستان نقش بسیار عمده ای را بازی میکند. محیط مدرسه شبیه محیط منزل بسیار ساده و بدور از جنجال و سر و صدا طراحی شده، رنگهای بکار رفته همگی طبیعی و آرامبخش و وسایل بدون مارک های معروف، از مواد طبیعی میباشند. کودکان در حفظ و نگهداری مدرسه در کارهایی از قبیل باغبانی، نقاشی و غیره مشارکت دارند و به هنگام سرو غذا و یا برپا کردن طرح های بازی و تمیز کردن محیطشان به معلم کمک میکنند.

- در فلسفه مونتسوری به شکوفایی استعدادها و علائق فردی از طریق آزمایشات و تجربیات شخصی پرداخته میشود. بیش از 80 درصد وسائل آموزشی که در مدرسه استفاده میشوند با الهام از فلسفه مونتسوری طراحی شده اند.

- و بالخره متد آموزشی ریجیو امیلیا. گلستان از این روش برای تقویت تفکر و اندیشه کودکان استفاده میکند. در این دستیابی، معلمین از طریق مشاهده کودکان و دریافت مواد مورد علاقه آنان به تکامل و توسعه برنامه های آموزشی میپردازند. هر زمان که علائق کودکان تغییر پیدا میکند آنان نیز روش تدریس را بر طبق آن علائق تغییر میدهند و البته این تنها زمینه ایست که در آن

مواد آموزشی گلستان بصورتی سلیس و روان و قابل تغییر برنامه ریزی میشود در حالی که در در بقیه موارد از روش آموزشی از پیش طراحی شده استفاده میگردد. پس از آزمایشات فراوان و گوناگون سرانجام گلستان به روشی دست یافته است که از طریق آن قادر بوده بیشترین نتیجه را برای احیای زبان فارسی در میان کودکان بگیرد. **زبان فارسی تنها زبانی است که در مدرسه گلستان صحبت میشود.**



یلدا توضیح میدهد با اینکه از خانواده ای چند ملیتی میآید که در آن به چند زبان از جمله انگلیسی و فرانسه صحبت میشود ولی به دلیل غنای فرهنگ ایرانی و بسیاری از آداب و رسوم زیبای آن همیشه آرزو داشته فرزندانش که دو پسر کوچک پنج و دو ساله به نامهای کیان و منو هستند بتوانند بهنگام رشد با این فرهنگ کاملاً آشنا شده و به آن افتخار کنند و از همه مهمتر اینکه بتوانند با پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز ارتباط نزدیک داشته باشند. او در این رابطه ادامه میدهد با اینکه همسر آمریکایی دارد و برای فرهنگ

آمریکایی هم احترام زیادی قائل است ولی همیشه احساس تنهایی و غربت با محیط اطراف باعث رنجش خاطرش بوده و آرزو میکرد فرزندانش هرگز با این احساس بزرگ نشوند. به همین جهت و پس از آشنایی با بسیاری از خانواده هایی که احساسی مشابه او داشتند در سال 2005 گروه های بازی هفتگی برای فرزندانشان بوجود میاورند که این گروه بعد ها در محل کانون ایرانیان برکلی تبدیل به پیش دبستانی میشود با یک اسم و یک معلم و والدینی که بطور نوبتی در آن همکاری میکردند و این مشارکت بزودی تبدیل به همکاری نزدیکتر شده و امروزه تبدیل به سازمانی شده غیر انتفاعی و محلی برای آموزش زبان و فرهنگ ایرانی. در سپتامبر 2008 مدرسه گلستان به غرب برکلی و محل کنونی اش نقل مکان کرد.

یلدا میگوید مایل است دو پسر کوچکش بدانند مادرشان با فرهنگی بزرگ شده که در آن به سنتها و فرهنگ ایرانی، شعر و ادبیات، مهمانوازی و احترام به بزرگتر ها اهمیت زیادی داده میشود و دلش میخواهد بچه های خودش و تمامی بچه های گلستان قبل از اینکه به رشد کافی برسند کاملاً به آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی خودشان واقف باشند و به آن افتخار کنند. بی جهت نیست در برنامه های نوروزی مدرسه عید دیدنی، مراسم چهارشنبه سوری و سیزده بدر جای خاصی دارند.



خام فیروزه محمودی که عضو هیات مدیره مدرسه است و پسر کوچک خودش نیز جزو شاگردان آنست با اینکه شب قبل از سفر یکماهه به ایران بازگشته و آثار خستگی تا حدی در چهره اش مشاهده میشود با عشق و علاقه از برنامه ها میگوید و از اینکه در مدتی کوتاه مدرسه پیشرفتهای زیادی کرده ابراز خوشحالی میکند و امیدوار است در آینده ای نزدیک توانایی خرید ساختمان مدرسه را که در حال حاضر اجاره است پیدا کنند و همچنین به میزان باغبانی و گیاهان کاشته شده در حیاط مدرسه بیافزایند و روز بروز از رشد بیشتری برخوردار شوند که اینکار تنها



با حمایت مردم و موسسات مختلف امکان پذیر است. از نیاز های کوتاه مدت مدرسه گذاشتن حفاظ و کمی تعمیر است با اضافه داشتن معلمین خوب برای دراز مدت که لازمه اش توانایی پرداخت دستمزدی مناسب کار آنان است. او عقیده دارد که با رشد فرهنگ ایرانی در میان کودکان ایرانی تبار فرهنگ آمریکایی و دوگانه آنان نیز تقویت خواهد شد که در آن همه برنده خواهند بود. یلدا و فیروزه هر دو هم عقیده هستند که میتوانند مرکز و الگویی باشند برای ایرانیان مناطق دیگر آمریکا. در حال حاضر هم بسیاری از افراد علاقمند ابراز تمایل کرده اند که با استفاده از روش آنها مدرسی مشابه با توجه به امکانات و احتیاجات نواحی خودشان دایر کنند.

خانم سارا رحیمیان خزانة دار و عضو هیات مدیره مدرسه نیز که دختر کوچکش حنا از بچه های گلستان است و با وجود سن کم فارسی را بسیار روان صحبت میکند با عشق و علاقه تحسین برانگیزی از مدرسه و برنامه های آن میگوید و هر کجا که باشد سعی میکند دیگران را با کار های گلستان آشنا کند. همسر آمریکایی سارا نیز از علاقمندان به زبان و فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی است و عقیده دارد که این سنتها نه تنها امروزه و در خانواده آنها بلکه باید برای نسلهای آینده نیز زنده نگاه داشته شوند.



از نکات جالب دیگر اینکه بسیاری از والدین این کودکان که نسل مهاجر ایرانیان در سنین بسیار کم بوده اند خود قادر به خواندن و نوشتن فارسی نیستند اما ابراز خوشحالی میکنند از اینکه با بودن مدرسه گلستان نه تنها فرزندانشان به آموختن زبان فارسی مشغولند بلکه خود آنان و همسران غیر ایرانیشان نیز هر روزه چند لغت جدید فارسی یاد میگیرند. موسسین گلستان امیدوار هستند روزی برسد که همه کسانی که در آرزوی داشتن چنین محیط آموزشی برای فرزندانشان هستند بتوانند به این آرزو جامه عمل پوشانده و کودکان بتوانند در محیطی با برنامه هائی صحیح و با ارزش به آموختن زبان و فرهنگ ایرانی بپردازند.

مدرسه در نظر دارد اردوی تابستانی چند هفته ای برای دانش آموزان دایر کند که در آن موسیقی، تئاتر و نقاشی آموزش داده خواهد شد. دروس معمولی مدرسه که در آن هنر و موسیقی جای بسیار والایی دارند عبارتند از یوگا، دروس علمی، آموزش طبیعت و محیط زیست، حرکات موزون و آشپزی.

به هنگام خداحافظی با یلدا او میگوید ملاقات بعدی اش با یکی از بازیگران قدیمی سینما و تاتر ایران است برای آموزش این هنر به بچه های گلستان خانم ویدا قهرمانی.  
برای اطلاعات بیشتر لطفا به سایت اینترنتی گلستان  
[www.golestankids.com](http://www.golestankids.com)  
مراجعه فرمایید.